

شخصیت‌های کربلا در شعر انقلاب

در شعر انقلاب، شخصیت‌های کربلا هویت‌های مستقلی در دفترهای شعری پیدا کرده‌اند و برجسته شدند. در حوزه نثر هم این اتفاق افتاده است. این یکی از وجوه شعر انقلاب اسلامی بوده که کاملاً متفاوت با گذشته است. ■■■

پانزدهمین نشست از سلسله‌نشست‌های «تکیه کتاب» در آستانه اربعین حسینی، با موضوع «باز آفرینی عناصر معنوی عاشورا در شعر انقلاب» با سخنرانی محمدرضا سنگری و محمدمهدی سیار و اجرای میرشمس‌الدین فلاح‌هاشمی در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

محمدرضا سنگری در بخش ابتدایی این نشست گفت: خاستگاه انقلاب و تکیه‌گاه اصلی آن عاشورا بوده و است. به تعبیر امام خمینی(ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر است.» نقطه عطف‌های انقلاب از حدود سال ۱۳۴۱ تاکنون، عاشورا در مفهوم گسترده آن است. اکنون که زمینه‌های تمدن بزرگ اسلامی خلق می‌شود، اربعین است که پیوسته با مفهوم عاشورا، زمینه‌ساز این حرکت عظیم در جامعه ما شده و می‌شود.

این نویسنده و پژوهشگر ادبیات آیینی و عاشورایی ادامه داد: این پیوستگی خود را در چند چهره نشان داده است. چهره اولش اسفندی است، چون هیچ انقلابی بدون ادبیات نه نمی تواند خود را مطرح کند و نه می تواند استمرار داشته باشد. اولین ظهور هر حرکت و رویداد بزرگی، معمولاً با ادبیات است، مثلاً با شاعر آغاز می‌شود که شمار هم گونه‌ای از ادبیات است. اولین شعارهای انقلاب پیوستگی کامل با عاشورا دارند. مفاهیم انقلاب خود را با عاشورا پیوند می‌زنند. وقتی در دوران انقلاب نوجوانی به شهادت می‌رسید، نام حضرت قائم(عج) مطرح می‌شد یا هر زمان جوانی به شهادت می‌رسید، نام حضرت علی(کرب) به میان می‌آمد.

وی تصریح کرد: یک نوع «این همانی» وجود دارد. انقلاب ما کاملاً با عاشورا گره‌خورده‌گی پیدا می‌کند. در کتاب «پیوند دو فرهنگ ادبیات معاصر» نوشته‌ام که تمام جان‌مایه‌های حرکت ما در دوران دفاع مقدس، برگرفته از عاشورا است. ادبیات انقلاب اسلامی در تمامی قلمروهای ادبی حتی عاشقانه‌ها، با عاشورا پیوند و گره‌خورده‌گی دارد. مثلاً شاخص‌ترین قهرمانان در ادبیات داستانی انقلاب، برگرفته از عاشورا است. گویا ذهنی را که انقلاب آفرید و پرورد، جز به عاشورا نمی‌تواند بیندیشد.

سنگری با اشاره به اینکه به چند شکل در حوزه شعر انقلاب با عاشورا پیوند داریم، افزود: یکی از اتفاقات ادبیات انقلاب که در کل تاریخ شعر ما رخ نداده بود، این است که برای اولین بارها در بیانات خود بر آن تأکید ناشناخته عاشورا شعر سروده شد. قیصر امین‌پور در منظومه «ظهر دهم» به «عمرین چشاده» نوجوان رجز کربلا را خوانده است. این نوجوان در «ظهر دهم» در قالب نیمایی خود را نشان می‌دهد.

این نویسنده حوزه ادبیات انقاب اسلامی همچنین گفت: برخلاف این انگاره که می‌گفتند به این دلیل که انقلاب برگشت به سنت دارد، پس در تقابل با رویش‌های نو است، درست نیست. یکی از نمونه‌هایی که نشان می‌دهد این انگاره غلط بوده، «گنجشک و جبرئیل» است که در آن از قالب سفید و آزاد استفاده شده است.

گفت‌وگو

وی ادامه داد: در شعر انقلاب، شخصیت‌های کربلا هویت‌های مستقلی در دفترهای شعری پیدا کرده برجسته شدند. در حوزه نثر هم این اتفاق افتاده است. این یکی از وجوه شعر انقلاب اسلامی بوده که کاملاً متفاوت با گذشته است.

سنگری با اشاره به اینکه بحث شناساری زمان در ادبیات و شعر انقلاب، تنها گذشته را به امروز نمی‌رساند، بلکه امروز را هم به آینده گره می‌زند، اظهار کرد: تردید ندارم شعر عاشورایی امروز جامعه ما، از تمام تاریخ گذشته‌مان برتر است. نه تنها نزول نکرده‌ایم، بلکه فراز هم داریم.

این نویسنده و پژوهشگر ادبیات عاشورایی گفت: یکی دیگر از اتفاقاتی که در شعر امروز رخ داده این است که اضلاع گمشده عاشورا خود را در شعر امروز باز یافته‌اند. از اضلاع چندگانه عاشورا، فقط بُعد سوگ و مرثیه در شعر ما پر رنگ و مطرح شده بود، حتی هدف امام حسین(ع) در این اشعار کم است، اما در شعر انقلاب، اضلاع دیگر عاشورا بسیار درخشان خود را نشان داده‌اند. یکی از این اضلاع که مقام معظم رهبری نیز بارها در بیانات خود بر آن تأکید کرده‌اند، «درس‌ها و عبرت‌های عاشورا» است. عاشورا لبریز از درس و عبرت است. پیام در شعر انقلاب از خصلت‌های درخشان و روشن است.

وی با اشاره به این بیت از علی‌معلم دامغانی که «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما»، افزود: کربلا کاملاً امروزی است، حتی می‌توان برآی فردا از آن بهره‌گیری کرد. در «گنجشک و جبرئیل» این خصوصیت را می‌توان دید. این مجموعه‌ها، افق‌های تازه‌ای را برای تماشای عاشورا پیش‌روی ما گذاشته‌اند.

سنگری درباره بُعد عارفانه عاشورا(عرفان مجاهدانه) نیز بیان کرد: عرفان امروزی که با عاشورا پیوند می‌خورد، عرفان میدانی است. نگاه عرفانی

به عاشورا در دوره قاجار تشدید شد که «گنجینه الاسرار» و «روضه‌الاسرار» از نمونه‌های آن است. عرفان کربلا در عین مجاهدانه بودن، عارفانه است. عرفان کربلا با جهاد و مجاهدت آن پیوند دارد. این وجهه در شعر انقلاب اسلامی خیلی خود را نشان داده است. بُعد دیگر «حماسه» است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ، حماسه عاشورا مانند شعر انقلاب جلوه نکرده است.

این نویسنده ادبیات آیینی، همچنین در زمینه حضور «نماد» در عاشورا گفت: شعر عصر انقلاب، شعر نمادین است. نمادهای گذشته با امروز گره خورده و در اختیار فردا قرار گرفته است. در شعر انقلاب، خیلی خوب از نمادها استفاده شده است. ما امروز غزل سینمایی عاشورایی، غزل نمایشی عاشورایی و غزل نامه عاشورایی نیز داریم. شاعران عصر انقلاب، تمام ظرفیت‌های ممکن را در خدمت شعر درآوردند. در عصر انقلاب به همان اندازه که به شعر نو پرداخته می‌شود، به شعر کلاسیک نیز توجه می‌شود. نمونه‌های غزل مثنوی در شعر عاشورایی بسیار زیاد است. بدایع شعری نیز فراوان است.

وی ادامه داد: به گمان من، انقلاب فضلی جدید را در حوزه شعر و به طور مشخص‌تر در شعر آیینی و باز هم ویژه‌تر در شعر عاشورایی ایجاد کرده است. یکی دیگر از پدیده‌های دوره شعر انقلاب، ترانه‌های عاشورایی است.

سنگری با بیان اینکه هنوز ظرفیت‌های ناشناخته‌ای در عاشورا وجود دارد، اظهار کرد: یکی از این ظرفیت‌ها، منظومه‌سازی با زبان نثر برای اصحاب اباعبدالله(ع) است. منظومه‌سازی به‌ویژه در حوزه کودک و نوجوان که شعر عاشورایی ما در این زمینه ضعیف بوده، خوب است. دومین ظرفیت ناشناخته، نسل‌سازی یا ذره‌پروزی است. برای انتقال مفاهیم عاشورا به نسل‌های آینده به‌ویژه کودک و نوجوان،

فرهنگی

در نشست «باز آفرینی عناصر معنوی عاشورا در شعر انقلاب» مطرح شد

شخصیت‌های کربلا در شعر انقلاب هویت‌های مستقلی پیدا کردند



نشست باز آفرینی عناصر معنوی عاشورا در شعر انقلاب

خیلی کم با اصلأً کار نکرده‌ایم. به‌ نظر من جای منظومه‌ای برای اسلبم‌بن عمر، ایرانی حاضر در عاشورا که از دیلمان خود را به امام حسین(ع) رساند و در کنارش جنگید و شهید شد، خالی است. می‌توان به حوزه ترانه هم بیشتر فکر کرد. امروز مضمون و مفاهیم عاشورا در ترانه نیز خود را نشان داده‌اند. ترانه‌های منظومه‌ای یا روایی که انگار یک قصه را مطرح می‌کند، یکی از گونه‌هایی است که می‌توان در این زمینه کارهای بیشتری را ارائه داد.

■ **شاعران جریان‌ساز این قرن**

محمدمهدی سیار نیز در این نشست با تگاهی به ماجرای عاشورا در شعر معاصر از منظر فرم گفت: ما در شعر معاصر تحولات خیلی زیادی داریم. شاید به اندازه همه تاریخ شعر فارسی، در همین یک قرن اخیر در شعر تغییر و تحول داشته باشیم. برخلاف اینکه ما شعر فارسی آنچنان کم می‌گویند، این را در دوران حاضر از دست داده و خیلی‌ها شعر امروز را از نظر کیفیت ادبی آثار و ارتباطش با مخاطب در سراسریی می‌بینند، معتقدم با مقایسه قرن به قرن شعر فارسی آنچنان کم می‌گویند، این قرن، قرن سقوط شعر نیست. مثلاً اگر شاعران قرن پنجم را فهرست کنیم، چند نفر از آنها هنوز شعر را می‌توان هنتراز نظامی و در جایگاه او قرار داد؟ اما وقتی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ را بررسی می‌کنیم، هم تنوع و گونه‌شناسی شگفت‌انگیزی به لحاظ فرم و هم تنوع محتوایی در شعر فارسی می‌بینیم.

وی ادامه داد: در شعر معاصر، پدیده‌هایی مانند جمهوریست، خیلی در نگاه شاعران به زندگی و همچنین حیات اجتماعی مؤثر بوده است. ظهور نیما و اتباعش، یک زلزله بزرگ در شعر فارسی بود. شاید در هیچ قرنی، این تعداد نام

شعر انقلاب، شخصیت‌های کربلا هویت‌های مستقلی در دفترهای شعری پیدا کرده و برجسته شدند. در حوزه نثر هم این اتفاق افتاده است. این یکی از وجوه شعر انقلاب اسلامی بوده که کاملاً متفاوت با گذشته است

زنده و جریان‌ساز پیدا نکنیم. فرهنگ فارسی کاری کرده است که امروز هر رسانه‌ای را می‌کشاییم یا شعر می‌بینیم یا شعر می‌شنویم. شعر در قالب‌های مختلف همچنان زنده است.

این شاعر و ترانه‌سرا همچنین بیان کرد: در شعر فارسی معاصر، غیر از قالب‌هایی که مطرح شد، آرایه‌های ادبی نو پدید آمد. با تورقی در شعر معاصر، می‌توان به دهها آرایه جدید رسید. شاید برخی از آنهاذیل آرایه‌ای از صنایع کهن ادبی باشند، اما انقدر خود را جدا کرده‌اند که می‌توانند مستقل دیده شوند. در قرن اخیر خیلی از آرایه‌ها چه در شعر نو چه در شعر کلاسیک پدید آمده که در انتظار نامگذاری هستند، هنوز نام ندارند، ولی حضور دارند.

سیار افزود: نام یکی از پرکارتر ترسین قنون مورد استفاده شعرای امروز را «زمان‌پریشی» یا «شکست زمان» گذاشته‌ام. در شعر امروز به وضوح می‌بینیم که بدون هیچ مقدمه‌چینی، ناگهان مخاطب را در زمان دیگری قرار می‌دهد و مانند ماشین زمان عمل می‌کند. یک دفعه مخاطب را از امروز به ۱۴۰۰سال قبل می‌برد و بالعکس. ما انقلاب و حیات اجتماعی خود را به نوعی زیر سایه عاشورا تعریف کرده‌ایم. این به تعبیری یک نوع «این همانی» است. در شعر امروز خیلی طبیعی است که مثلاً اسبازدر در خیابان‌های تهران قدم برند. این شکست زمان، تبدیل به یک فرم نه‌تنها در شعر، بلکه در هنر معاصر شده است. این درهم‌آمیختگی ابتدا در شعر بعد در سینما و نقاشی نیز رخ داده است. این را می‌توان به عنوان یکی از آرایه‌ها و صنایع معنوی نوپدید معرفی کرد.

این مدرس دانشگاه با اشاره به اینکه تصنیف‌ها در دوران اوج تصنیف‌سازی در ایران، متأثر از عاشورا بوده و پیوند عمیقی با آن دارد، گفت: چیزی که در دوره‌های مختلف تاریخی، دستگاه‌های مختلف موسیقی و به طور کلی موسیقی ایرانی را حفظ کرده، عاشورا است. حتی امروز که موسیقی ایرانی به سمت موسیقی پاپ رفته، توجه‌سراسری ما هم به آن سمت رفته و با وجود مخالفت‌هایی که در ابتدا وجود داشت، کم‌کم جای خود را باز کرد. فکر می‌کنم نمونه‌های فاخری که در زمینه نوحه‌سرایی ابتدا وجود داشت، کم‌کم جای خود را باز کرد. این قرن، قرن سقوط شعر نیست. مثلاً اگر شاعران قرن پنجم را فهرست کنیم، چند نفر از آنها هنوز شعر را می‌توان هنتراز نظامی و در جایگاه او قرار داد؟ اما وقتی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ را بررسی می‌کنیم، هم تنوع و گونه‌شناسی شگفت‌انگیزی به لحاظ فرم و هم تنوع محتوایی در شعر فارسی می‌بینیم.

وی ادامه داد: در شعر معاصر، پدیده‌هایی مانند جمهوریست، خیلی در نگاه شاعران به زندگی و همچنین حیات اجتماعی مؤثر بوده است. ظهور نیما و اتباعش، یک زلزله بزرگ در شعر فارسی بود. شاید در هیچ قرنی، این تعداد نام



انتقادپیشکسوتان سینمای مستند

به فاصله طولانی میان ساخت تاآکران آثار مستند

سینمای مستند

نیازمند توجه به اگران است

■ **محمد صادقی**

سینمای مستند ایران هنوز در گیر یک چرخه معیوب است که در آن آثار خوب مستند تولید می‌شوند اما هیچ گاه به اگران نمی‌رسند. ■■■

پیشکسوتان سینمای مستند ایران از وضعیت نامطلوب اگران و پخش آثار مستند در سینمای ایران گلایه دارند و معتقدند راهی که مستند از دهه ۳۰ تا امروز در پیش گرفته مسیر اشتباهی است که در آن آثار خوب مستند ساخته می‌شوند اما مخاطب راهی برای تماشای آنها ندارد.

چهره‌های شاخص سینمای مستند ایران، در شب افتتاحیه سیزدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران نظرات و گلایه‌های خود را نسبت به وضعیت سینمای مستند بیان کردند.

در این مراسم، پیروز کلانتری، پیشکسوت مستندسازی با آرزوی بیش از اینها دور هم جمع شدن اهالی مستند، از طرف انجمن صنفی کارگزاران سینمای مستند گفت: «اگر بخواییم فیلمسازی سینمای مستند را به عنوان یک جریان بررسی کنیم که از دهه ۳۰ وجود داشته است، متأسفانه هنوز چرخه صحیح آن را نداریم و از تولید تا نمایش فاصله‌ها زیاد است. اینکه فیلم‌های سینمای مستند به جامعه و مخاطب عمومی برسد، کم اتفاق می‌افتد اما تولید آثار زیادی داریم که شگفت هستند».

وی تأکید کرد: «آثار مستند بیشتر به عنوان سند ساخته می‌شود تا برای آنگدان بماند و وارد یک دادوستد اجتماعی شود. امیدوارم به تدریج از این فضا فاصله بگیریم و جشن و جشنواره‌ای باید کمکی کند و فضای به وجود بیآورد تا اتفاقی در این چرخه رخ بدهد، ملاتی به کار بیاید و مباحث سینمای مستند در گیر شود. ما باید به مخاطب اجتماعی دسترسی داشته باشیم. اینکه در یک مدار بسته آثار را تولید و عرضه کنیم، ما فیلم‌های اجتماعی بسیار خوبی می‌سازیم اما سینمای مستند ما اجتماعی نیست و باید کاری برای آن بکنیم.»

■ **سینمای مستند از جامعه فاصله ندارد**

مرتضی رزاق کریمی، مستندساز و رئیس هیئت رئیسه جشن مستقل سینمای مستند نیز در سخنانی با اشاره به اینکه سینمای مستند پیشرو است و هنوز از جامعه عقب نیفتاده است، گفت: «شاید سینمای داستانی از جامعه فاصله داشته باشد که در سرگرمی مردم مؤثر است اما نقش آگاهی بخشی سینمای مستند غیرقابل انکار است. مثلاً هشت دهه از آغاز جشنواره ونیز گذشته و جشنواره‌های مستند مختلفی در دنیا وجود دارد، اما در ونیز دوبار، یک بار ۹سال پیش جایزه اصلی را به جانفرانکو ززی برای یک مستند دادند، چند روز پیش هم جایزه اصلی به یک مستند داده شد.»

رزاق کریمی با تأکید بر اینکه سینمای مستند عقب نیست، ما دست‌اندر کاران صنف عقب‌مانده‌ایم و باید بدویم تا به سینمای مستند برسیم، ادامه داد: «ما پیشنهاد شیوه آکادمی در رأی‌گیری را از چند دوره قبل داشتیم، دوستان فیلم کوتاه هم از این شیوه سال‌هاست استفاده کرده‌اند و اعتماد به خرد جمعی خطای کمتری خواهد داشت، به ویژه این جمع که فرهیختگان و دست‌اندر کاران سینمای مستند هستند. سینمای مستند نیز از نظر فنی ارتقا پیدا کرده و امیدوارم با داوری‌هایی که اتفاق می‌افتد، مسائل حرفه‌ای بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و در سال‌های آینده سینمای مستند را با استانداردهای فنی بالا ببینیم.»

این مستندساز پیشکسوت در ادامه گفت: «سینما سینماست، مستند، داستانی، انیمیشن و کوتاه کنار هم هستند و همه شاخه‌های سینما به کمک هم آمده‌اند و زبان جدیدی آمده که زبان مشترک همه مردم جهان است. امیدوارم ما با این شکل از داوری بتوانیم برای تقویت سینمای مستند قدم‌های جدی برداریم. نهادهای صنفی و دولتی نیز باید به تحولات اخیر در حوزه سینمای مستند توجه و از آن حمایت کنند.»

■ **سینمای مستند هنوز نفس می‌کشد**

در شب جشن سینمای مستقل مستند ایران، از محمد جعفری مستندساز پیشکسوت تجلیل به عمل آمد. این مستندساز پیشکسوت، در سخنانی با اشاره به اینکه ورود سینما به ایران آغاز سینمای مستند ایران بوده است، بیان داشت: «سالروز سینمای ایران که هم‌زمان با ورود دوربین فیلمبرداری توسط ابراهیم خان عکاس‌باشی مظفرالدین شاه است، پهنانه است تا یادمان بماند سینما با فیلم مستند شروع شد و ما امروز پیمان ببندیم که سینمای مستند و حقیقت‌جو و وفادار باشیم. سینمایی که امروز بی تعارف متناسب با جایگاهی که در زیرساخت فرهنگی جامعه می‌تواند داشته باشد، جلو نمی‌رود و اگران و آنتن مناسب ندارد. سینمای مستند ۱۲۲ساله شد اما با وجود کپولت هنوز نفس می‌کشد و امروز دوربین‌های کوچک در کوچه و خیابان تصاویر زندگی را انطور که وظیفه یک مستندساز است، در حافظه تاریخی ما ثبت می‌کنند.»

■ **با جزئیات قصه «خشمابه» شروع کنیم، داستان آب از زبان یک جنوبی، چقدر می‌تواند درماتیک باشد؟**

موضوع کتاب خشمابه بحران آب است. برای من که متولد و بزرگ‌شده جنوب هستم، بی‌آبی و کم‌آبی مسئله‌ای آشنا و همیشگی بود. ما تا همین امروز آب را جیربندی‌شده استفاده می‌کنیم. روی سقف همه خانه‌ها تانکر آب و ذخیره آب بخشی از زیست‌روزمره مردم است. خشمابه از همین درد مشترک شروع شد. بعد در سال ۹۹، سال زورم‌آبی با کرونا، محرم که

^[1] در شعر انقلاب، شخصیت‌های کربلا هویت‌های مستقلی در دفترهای شعری پیدا کرده‌اند و برجسته شدند